

نقد رویکرد های مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی\* (علمی - پژوهشی)

دکتر محسن ذوالفقاری

استادیار دانشگاه اراک

چکیده

اثبات دو فرضیه، از اهداف این مقاله است؛ این که نظامی در رویکردهای قرآنی و حدیثی، از دو شیوه ساختاری بیشتر سود می جوید؛ چگونه ای که می توان گفت اصالت سبک نظامی در امر تأثیر پذیری در نگاه کلی، موارد زیر است: یکی این که از شیوه الهامی بنیادی بسیار سود جسته است؛ چگونه ای که باید گفت در میان انواع تأثیر پذیری این شیوه، اصالت سبکی اوست. دوم این که با توجه به تناسب واژگان متأثر از قرآن و حدیث، به ترکیب روی می آورد و از حیث آماری اصالت سبک او در این رویکرد ساختاری، کاربرد ترکیبات اضافی است که ربط بین مضاف و مضاف الیه ها برگرفته از قرآن و حدیث است. نکات مزبور با استناد به شواهدی که بعضاً از نگاه شارحان دورمانده است؛ تشریح شده است.

واژگان کلیدی: نقد، قرآن، حدیث، نظامی

۱- مقدمه

یکی از سرآمدان عرصه شعر و ادب فارسی، نظامی گنجوی است. اندیشه های حکیمانه وی از سویی و شیوه پرداخت اندیشه ها از سوی دیگر، مایه امتیاز نظامی به

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۹/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۳/۳/۱۶

عنوان شاعری حکیم است. دلیل مبرهن بر اثبات این مدعا، مقلّمهٔ مثنویهای پنجگانهٔ اوست. رویکردهای علمی و مذهبی شاعر، بویژه در زمینه‌هایی چون نجوم، طب، کلام، قرآن، حدیث و... بیانگر و نشانگر عمق کلام این حکیم است. لذا تحقیق در رویکردهای ساختاری و محتوایی شعر نظامی، بایسته و شایسته است. غرض از مقالهٔ حاضر نخست بررسی اصالت‌های ساختاری شعر نظامی در امر کاربرد آیات و احادیث است و دوم قصد آن است که به نقد و تحلیل ترکیبات مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی پردازیم و اصالت سبکی شاعر را در این امر به اثبات برسانیم. در بخش دوم مقاله، اعتقاد بر این است که یکی از رویکردهای مهم در تحلیل متون ادبی، اعم از نظم یا نثر و بویژه نظم، بررسی تناسب واژگان در کنار یکدیگر است. یقیناً منطق نیز حکم می‌کند که شاعر یا نویسنده، کلمات، ترکیبات و جملات را در کنار هم و در طول اثر، متناسب به کار ببرد. تأمل در شعر و نثر گذشته تا امروز نشان می‌دهد که سبک و سیاق نویسندگان و مبحث تناسب، از حیث کمی و کیفی تفاوت می‌کرده است؛ به سخنی دیگر، میزان و کیفیت تناسب واژگان و ترکیبها در اشعار رودکی، منوچهری، فرّخی، کسایی و... با یکدیگر تفاوت می‌کند. به فرض مثال، شعر منوچهری از حیث کاربرد واژگان نجومی، گرچه از اشعار شعرای همزمان خویش ممتاز است؛ ولی از حیث میزان تناسب واژگان در طول ابیات و دقت نظر میان واژگان، هرگز در حد شعر خاقانی و نظامی نیست. سطحی‌نگری منوچهری در توصیف مناظر آسمانی و واژگان نجومی و عدم ارتباط علمی واژگان با هیئت قدیم، حکایت از کم‌رنگی تناسب واژگان و ترکیبها می‌کند؛ حال آن که دقایق علمی موجود در ارتباط با تناسب کلمات در اشعار خاقانی و نظامی در باب نجوم، سبک این دو شاعر را از سبک منوچهری ممتاز می‌سازد و صدالبته که سبک نظامی در این خصوص با سیاق تناسب واژگانی در شعر خاقانی تفاوت‌های اساسی دارد. با این وصف در بخش دوم مقالهٔ حاضر، سعی بر آن است که اصالت سبک نظامی در

ترکیبات و واژگان متناسب در این ترکیبات، در ساختاری که قبل از این بدان اشاره نشده است و یا کمتر مورد عنایت واقع گردیده است؛ تبیین و تشریح شود.

## ۲- بحث

### الف) تحلیل رویکردهای ساختاری

عنایت به ساختار و محتوای شعر نظامی، قدرت و استعداد شاعر را در عرصه های مختلف، بخوبی نشان می دهد. یکی از این رویکرد ها ، اندیشه های برگرفته از قرآن و حدیث است که به انحاء مختلف در مثنویهای پنجگانه نظامی، بویژه مقدمه این آثار به چشم می خورد. مهمترین شیوه های ساختاری در این مقوله از قرار زیر است:

۱) آنچه در نگاه اول به چشم می آید؛ کاربرد صریح عبارات قرآنی و حدیثی است که گاه بصورت جمله و گاه بصورت ترکیب و واژگان مفرد بکار می رود. بعنوان مثال در بیت:

کیست در این دیر که دیر پای کو «لمن الملک» زند جز خدای (ص ۳)  
شاعر از شیوه گزاره ای با اندکی تغییر که آن را «حل» می نامیم؛ استفاده می کند که از آیه «لمن الملک الیوم، لله الواحد القهار» (غافر، ۱۶) متأثر شده است.  
و یا در مثال دیگر، عبارتی کامل را که اقتباس یا تضمین نامیده شده است؛ می آورد:

بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم (ص ۲)  
در هر حال، این شیوه یعنی کاربرد صریح آیات و احادیث در آثار نظامی بندرت به کار می رود و این رویکرد ساختاری را نمی توان از اصالتهای سبکی شاعر بحساب آورد.  
۲) ترجمه عبارات، که آن را شیوه گزارشی می نامیم؛ یکی دیگر از شیوه های تأثیر پذیری در شعر نظامی است. بعنوان مثال وقتی که می گوید:

هستی تو صورت پیوندنی تو به کس و کس به تو ماندنی (ص ۱۰)

مصراع اول، ترجمه مانندی از عبارت «**لم یلد**» (اخلاص، ۳) است و در مصراع دوم با اندکی تغییر و ترجمه کلمات از عبارت «**لیس کمثله شیء**» (شوری، ۱۱) و «**لم یکن له کفواً احد**» (اخلاص) متأثر شده است.

و یا در بیت :

پرورش آموز درون پروران      روز بر آرنده روزی خوران (ص ۳)

ترجمه «**وجعلنا النهار معاشا**» (نبا، ۱۱) را در مصراع دوم می آورد.

در تحلیل آماری این رویکرد ساختاری، این نکته قابل ذکر است که شیوه ترجمه تحت اللفظ ۱۲ درصد و ترجمه باز ۶ درصد از جامعه آماری را در بحث تأثیر پذیری نظامی از قرآن و حدیث تشکیل می دهد. در هر حال «ترجمه» نیز از اصالت‌های سبکی شعر نظامی محسوب نمی شود.

۳ آنچه بیشتر در بحث تأثیر پذیری نظامی از قرآن و حدیث قابل طرح است و از اصالت‌های سبکی شعر او محسوب می شود؛ اثر پذیری الهامی بنیادی است. بدین ترتیب که شاعر نکته ای را از آیات و احادیث الهام می گیرد و از حد ترجمه آزاد هم در می گذرد و تشخیص آیه و حدیث را برای مخاطب دشوار می سازد. هر چند که گاه کلید واژه ای در بیت ذکر می شود و خواننده را راهنمایی می کند. بعنوان مثال در بیت:

ساقی شب دستکش جام تست      مرغ سحر دستخوش نام تست (ص ۸)

شاعر با ذکر کلمات «مرغ و نام» و خدا، خواننده را به سوی آیه راهنمایی

می کند که می فرماید: «**الم تر ان الله یسبح له من فی السموات و الارض و الطیر...**».

(نور، ۴۱) قطعاً وسعت اندیشه های حکیمانه در وجود شاعر ایجاب می کند که شاعر از

رویکرد ساختاری الهامی بنیادی بیشتر استفاده کند. از حیث آماری ۳۸ درصد تأثیرات

نظامی در مقامه مخزن الاسرار از همین نوع است؛ لذا می توان گفت که اصالت

سبک نظامی در باب تأثیر پذیری از قرآن و حدیث، کاربرد شیوه الهامی بنیادی است.

چنانچه اثر پذیری تلمیحی را که در آن شاعر، به عمد کلید واژه ای را در بیت ذکر می کند، در همین ردیف بدانیم و آن را یکی از شاخه های اثر پذیری الهامی بنیادی بحساب آوریم؛ باید بگوییم که ۲۶ درصد از انواع تأثیر پذیری نیز در زمره اثر پذیری تلمیحی محسوب می شود که در مجموع ۶۴ درصد از جامعه آماری را در شعر نظامی تشکیل می دهد. بعنوان نمونه، نظامی در ابیات زیر از شیوه تلمیحی استفاده می کند و کلید واژه های «کن» و «مازاغ» را در بیت می آورد:

نقطه روشن تر پرگار کن      نکته پرگار ترین سخن (ص ۱۳)

که متأثر از آیه «اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون» (بقره، ۱۱۷) است و در بیت:

زان گل و زان نرگس کان باغ داشت      نرگس او سرمه مازاغ داشت (ص ۱۷)

که متأثر از آیه «مازاغ البصر و ماطغی» است. (نجم، ۱۷)

### ب) تحلیل تناسب در ترکیبات مبتنی بر قرآن و حدیث

یکی دیگر از شیوه های مطرح در شعر نظامی، توجه شاعر به تناسب کلمات در ترکیبات اوست. در تبویب این ترکیبات، می توان به سه رویکرد ساختاری اشاره کرد: (۱) تناسب واژگان در ترکیبات اضافی (۲) تناسب واژگان در ترکیبات وصفی (۳) تناسب اجزاء واژگان مرکب

#### ۱) نقد و تحلیل تناسب واژگان در ترکیبات اضافی

در نخستین نگاه به ترکیبات اضافی مخزن الاسرار، آنچه مخاطب را به تأمل وامی دارد؛ بلاغت و رویکردهای زیبا شناختی شاعر در این ترکیبات است. ترکیباتی چون «رشته باریک عقل (ص ۳)، روضه ترکیب (ص ۴)، باغ سخا (ص ۵)، خال عصی (ص ۵)، آیت اَلم (ص ۸)، مجبوبة احمد (ص ۱۲)، سرمه مازاغ (ص ۱۷) و ... همه با زیر ساخت تشبیه بیان شده اند؛ بعبارتی، تناسب واژگان در این نگاه، از نوع تناسب بلاغی است. با تأمل

بیشتر در این ترکیبات به تناسبات بیشتر میان واژگان پی می‌بریم. از حیث زیبایی معنی و محتوا باب دیگری در زیباشناسی این ترکیبات گشوده می‌شود که مدیون تأثیر پذیری شاعر از قرآن و حدیث است. صریحتر آن که، تناسب محتوایی میان واژگان که برگرفته از قرآن و حدیث است؛ بر زیبایی این ترکیبات افزوده است و این دو امر، توأمان اصالت سبک نظامی را می‌سازد. البته دسته دیگری از ترکیبات اضافی در مقدمه مخزن الاسرار دیده می‌شود که از حیث بلاغی در خور توجه نیستند ولیکن از حیث نقد تأثیری، متأسفانه از آیات و احادیث هستند و از حیث زیبایی محتوا نیز، از جایگاه خاص خویش بهره‌مند هستند. نمونه این نوع ترکیبات را در ترکیباتی چون «عذرپذیرنده تقصیرها (ص ۳)؛ روز برآرنده روزی خوران (ص ۳)، خام کن پخته تدبیرها (ص ۳)، عجز فلک (ص ۸)، قبول سلام (ص ۸) و ...» شاهد هستیم. نکته حائز اهمیت در این گونه ترکیبات، این است که تناسب واژگان آنها از حیث ابهام و وضوح تفاوت می‌کند؛ لذا توضیح پاره‌ای از این شواهد جهت ایضاح مطلب و تشریح اصالت سبک شاعر ضرورت دارد که در ذیل می‌آید:

### ۱- «روضه ترکیب» در بیت:

روضه ترکیب تو را حور از اوست / نرگس بینای تو را نور از اوست

این ترکیب در کتب، متنوع تعبیر و تشریح شده است. گزیده سخن محققان نشان می‌دهد که مراد از روضه ترکیب «تن و جسم آدم» است (زنجانی، مخزن الاسرار، ص ۱۵۸ / وحید، ص ۴) و گاه آن را تصویری برای بدن و کالبد گرفته‌اند، (صور خیال در خمسة نظامی، ذیل روضه) نیز این ترکیب «وجود، هستی و اندام» معنی شده است و از حیث بلاغی آن را تشبیه گرفته‌اند (پردۀ سحر سحری، ص ۶۲) و در تعبیری «باغ وجود انسان» آمده است. (احمد نژاد، گزیده مخزن الاسرار، ص ۷۷)

پر واضح است که «روضه» به معنی باغ و گلستان و «ترکیب» از ریشه «رکب» به معنی سوار کردن چند چیز بر هم است و «روضه ترکیب»، از حیث بلاغی تشبیه است و در معنی ترکیبی که چون روضه باشد بکار رفته است. گذشته از تناسب بلاغی میان دو واژه، تأمل در وجه شبه این دو واژه یعنی «زیبایی و حسن» این آیه را به ذهن تداعی می‌کند که می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان في احسن تقویم» (تین، ۴) «ما انسان را در بهترین ساختار و ترکیب آفریدیم».

بعبارتی، شاعر «ترکیب» را به جای «تقویم» به معنی راست و مرتب کردن (دهخدا، ذیل تقویم) آورده است و این لفظ مفهوم ساختاری دارد نه زمانی. از سویی، تأمل در وجه شبه «روضه و ترکیب» یعنی «زیبایی» برگرفته از لفظ «احسن» در آیه مزبور است؛ لذا می‌توان گفت وجود این دو تناسب یعنی تناسب واژگان از حیث بلاغی و تناسب آن دو از حیث محتوایی، متأثر از قرآن، توأمان مدنظر نظامی بوده است.

## ۱-۲ ترکیب «آیت ایام» در بیت:

نسخ کن این آیت ایام را / مسخ کن این صورت اجرام را (ص ۸)  
عمدتاً از نگاه شارحین دورمانده است؛ مراد از نسخ، باطل کردن، آیت به معنی نشانه و مسخ، دگرگون کردن است. (زنجانی، ۱۶۶) مرحوم وحید، بیت را معنی می‌کند و می‌گوید: «یعنی قیامت را پدید آر تا اجرام فلکی، صورت دیگر به خود گیرند» (ص ۸) دکتر احمد نژاد نیز همان معنی مورد نظر وحید را نقل می‌کند. (احمد نژاد، ص ۸۲) البته اشارت موجود در آیت ایام درسخن شارحان نقل شده است.

چنانچه رویکرد «تناسب واژگان» را در ترکیب اضافی شعر نظامی بپذیریم؛ این سؤال به ذهن می‌رسد که ایام با آیت چه تناسبی دارد؟ و سؤال دیگر که پاسخ آن واضحتر است این که «آیت» با «نسخ» چه تناسبی دارد؟ تأمل در واژه آیت و نسخ، ما را بدین آیه رهنمون می‌سازد که می‌فرماید:

«و ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها» (بقره ۱۰۶)؛ لذا ابتدا به این نتیجه می‌رسیم که نظامی در تناسب واژگان «نسخ و آیه» به آیه فوق نظر داشته است و از آن متأثر شده است و دیگر آن که با تأمل در معنی آیه که می‌فرماید: «آنچه را که از آیات نسخ می‌کنیم یا ترک کنیم، بهترش را می‌آوریم یا مثل آن را می‌آوریم» پی می‌بریم که «نسخ» به معنی باطل کردن آیه و آوردن آیه بهتر است. حال با عنایت به این نکته که نظامی می‌گوید «نسخ کن این آیت اَیلم را»، پی می‌بریم که شاعر خواستار باطل کردن و از بین بردن «اَیلم» است و ایام و روزگار بهتری را از خداوند درخواست می‌کند. روشنتر آن که می‌گوید «این اَیلم که چون آیه است از بین ببر و آیه (یا ایام) بهتری را بیاور» با این توضیح می‌توان گفت که واژگان «آیت و اَیلم»، از حیث بلاغی متناسب انتخاب شده و در مقام تشبیه قابل بررسی هستند و از سویی واژگان «آیت و نسخ»، افاده معنی قرآنی نیز می‌کند و نشان می‌دهد که شاعر بلاغت و قرآن را در این ترکیب با هم تلفیق کرده است. البته مضمون درنهایت همان درخواست نظامی از خداست که می‌گوید: خدایا قیامت را بیاور. همان سخن که در کلام بعضی از شارحان آمده است.

تأثیر نظامی از قرآن در مصراع دوم بیت نیز قابل توضیح است؛ گرچه این تأثیر قرآنی را در ترکیب اضافی نیاورده است و بصورت اسناد از خدا درخواست می‌کند که «این صورت اجرام را مسخ کن» و این سخن اشاره به آیات و نشانه‌های روز قیامت دارد که اجرام آسمانی گرفتار دگرگونی و تحوّل می‌شوند. می‌فرماید: **فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس و القمر یقول الانسان یومئذ این المفتر (قیامت ۷-۱۰)؛** «پس آنگاه چشم خیره شود و ماه تیره گردد و خورشید و ماه جمع شوند، در آن هنگام انسان می‌گوید گریزگاه کجاست». البته تناسب واژگان، هنگامی بیشتر ملموس خواهد شد که



«آیت ایام (بعنوان ترکیب اضافی)، نسخ، مسخ و صورت اجرام» را در کنار هم در نظر بگیریم.

### ۳-۱ ترکیب «محبوبه احمد» در بیت:

تخته اول که الف نقش بست بر در محبوبه احمد نشست (ص ۱۲)

مرحوم وحید از تناسب لوح والف سخن می گوید و محبوبه احمد را «احمد صاحب سر» در پرده از عقول» معنی می کند سپس از تشبیه احمد به «در محبوبه» یاد می کند. هیچگونه اشارت قرآنی یا حدیثی در کلام این شارح نیامده است. استاد، دکتر زنجانی تعبیر خوبی از محبوبه احمد می آورد؛ معتقد است که این ترکیب مقلوب است و مراد «احمد محبوبه» است. چون پیامبر قبل از پیامبران دیگر آفریده شده است. وی استاد می کند به سخن مرحوم فروزانفر در احادیث مثنوی و اشارت. **کنت اول النبیین فی الخلق و آخرهم فی البعث** را در این مورد نقل می کند. (زنجانی، ص ۱۷۱) در نهایت، معنی بیت را این گونه می آورد: «وقتی که الف در لوح محفوظ نقش یافت در اول «احمد» که نام حضرت رسول اکرم (ص) است؛ قرار گرفت.» (زنجانی، ص ۱۷۱) دکتر ثروتیان در شرح این ترکیب می آورد: «شاعر نظری دارد به لواء احمد در عالم لاهوت و خلق محمد (ص). شاعر در لفظ احمد، بخش «حمد» آن را با توجه به معنی سپاس و شکل ظاهری آن «حمد» در رسم الخط عربی که به محبوبه و کلون در، همانند است؛ نظر داشته» (ثروتیان، مخزن الاسرار، ص ۲۶۸).

این تعبیر نیز زیباست زیرا نظامی در لیلی و مجنون بوضوح کلمات مناسب محبوبه و بیت را می آورد:

محبوبه بیت زندگانی سهر بیت قصیده جوانی

(لیلی و مجنون، ثروتیان، ص ۸۷)

قطعاً سخن دو شارح اخیر در کنار هم بزیبایی مطرح شده است و مخاطب را قانع می‌سازد. ولی آنچه در تعبیر زیبای حمد در تعبیر دکتر ثروتیان آمده است و شایسته تأمل بیشتر است؛ بحث تناسب حمد با رسول اکرم (ص) است که باید گفت پیامبر اکرم (ص) صاحب لوی حمد است و این سخن می‌طلبد که اشاره «حدیث لوی حمد» را در مورد پیامبر (ص) نقل کنیم که در سخن شارح نیست؛ عبارتی، تشبیه زیبای «حمد» از حیث رسم الخط، به محجوبه یا کلون در، نمی‌تواند صرفاً بلاغی باشد، بلکه اشاره دارد به انا سید ولد آدم یوم القیامه و لافخر و بیدی لواء الحمد و لافخر ما من نبی آدم فمن سواه الا تحت لوائی و انا اول شافع و اول مشفع و لافخر.

(منتخب کنز العمال، ج ۴، ص ۴۴۳ و ج ۶، ص ۶۱۲)

لذا باید گفت تناسب واژگانی بین «محجوبه احمد» یعنی «حمد» که در لفظ «حمد» محجوب و مخفی است با حدیث «لوی حمد» ارتباط دارد که از آن «احمد» است. مولوی همین تأثیر را آشکارتر مطرح کرده است:

مصطفی ز این گفت گآدم و انبیا      خلف من باشند در زیر لوی

(مثنوی، دفتر چهارم، ص ۲۳۷)

با این تفاوت که مولوی حدیث مزبور را به شیوه گزارشی و ترجمه مضمون بیان کرده است حال آن که نظامی در ساختار «محجوبه احمد»، بلاغت و تصویر را در کنار حدیث مد نظر داشته است.

#### ۴-۱ ترکیب «باغ سخا» در بیت:

باغ سخا را چو فلک تازه کرد مرغ سخن را فلک آوازه کرد

(وحید، ص ۵)

مرحوم وحید دستگردی، ترکیب باغ سخا را در قالب تشبیه معنی می‌کند و می‌گوید: «باغ سخا را چون فلک سبز و خرم ساخت» و توضیح دیگری رانیاورده است. (ص ۵)

بعضی از شارحان، به همین نکته بسنده می کنند و یا «سَخَا» را به سخن در مصراع دوم ربط می دهند و می گویند: سخای خداوند در باب سخن به نهایت رسید و آن را عزت و احترام بخشید. (ثروتیان، شرح مخزن الاسرار، ص ۶۰) در منتخب دکتر احمد نژاد نیز این ترکیب تشبیه گرفته شده است. دکتر زنجانی این ترکیب را «باغ صفا» می آورد و آن را اضافه تشبیهی می داند. (ص ۱۶۰) حال آن که همین شارح در کتاب «صورخیال در شعر نظامی»، ترکیب «باغ سخا» را می آورد و آن را استعاره می داند. (رک: باغ سخا، ص ۱۴۱) در گزیده های دیگر نیز از این بیت سخنی به میان نیامده است. حال اگر از نگاهی دیگر غیر از رویکرد شارحان، بدین ترکیب نظر کنیم و فرضاً بپذیریم که تناسب «باغ سخا» صرفاً بلاغی نیست و چه بسا که متأثر از احادیث باشد؛ به نتایج مطلوبتـــ می رسیم. در حدیث آمده است که:

السَّخَاءُ شَجْرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ، أَغْصَانُهَا مَتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ أَخَذَ بِغَصْنِ مَنَها قَادَهُ ذَلِكَ الْغَصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ... (احیاء العلوم، ج ۳، ص ۸، ص ۱۶۸ جامع الصغیر، ج ۲ / شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۱۴)

در این حدیث، تناسب بین واژگان «سَخَا و شَجْرَه و جَنَّة» (باغ بهشت)، این مطلب را تداعی می کند که چه بسا نظامی متأثر از حدیث مزبور است. چنان که مولوی صریح تر از نظامی همین تشبیه را بصورت اسناد مطرح کرده است:

این سخا شاخیست از سرو بهشت وای او کز کف چنین شاخی بهشت

(مثنوی، دفتر دوم، ص ۱۳۲)

لذا باید گفت در ترکیب باغ سخا، نه تنها اثر پذیری تصویری از نوع تشبیه قابل ذکر است؛ بلکه اثر پذیری الهامی و پنیادی برگرفته از «حدیث سخا»، مدنظر شاعر بوده است و بهتر است چنین تعبیر زیبایی را با سخن در مصراع دوم ربط ندهیم و ربط دو مصراع را

از مقوله کمال انقطاع بدانیم. همانطور که در بسیاری از ابیات مقدمه آثار نظامی با کمال انقطاع برخورد می‌کنیم.

### ۵-۱ ترکیبات «رشته باریک عقل» و «روشنی دیده تاریک عقل» در بیت:

مهره کش رشته باریک عقل      روشنی دیده تاریک عقل (ص ۳)

اسناد «روشنی» به «عقل» در این ترکیبات اضافی که فاعل آن خداست، نیازمند توضیح است که قطعاً با «رشته باریک عقل» نیز متناسب آمده است. تشبیه «عقل» به رشته باریک و اشاره موجود در آن، امری واضح است که از آن ضعف عقل برداشت می‌شود. نسبت «تاریکی» به چشمان عقل در مصراع دوم نیز، مفید همین معنی است. گرچه بیشتر نسخ، بیت را بصورت زیر درج کرده اند:

مهره کش رشته یکتای عقل      روشنی دیده بینای عقل

(ثروتیان، شرح، ص ۳۲/ انزایی، ص ۳۰/ زنجان، ص ۱۵۶/ احمدنژاد، ص ۱۷)  
ولی حداقل امر این است که اسناد «روشنی» به «دیده بینای عقل»، عبارتی عقلی که دیده بینایی دارد چندان قانع کننده و زیبا نیست و حشو به نظر می‌رسد. لذا بهتر است همان تعبیر و تصحیح مرحوم وحید را بپذیریم و بر «روشنی دیده تاریک عقل» تأکید کنیم و این مضمون را مسلم بدانیم که عقل، ضعیف بود و چشمانش بینایی نداشت و خداوند مهره هایی را به او عنایت کرد تا چشمانش اندکی بینایی کسب کرد. با وجود پذیرش این امر که خداوند به این عقل، مهره ها (یا معارفی) را بخشید؛ باز جای دارد که مسأله روشنی چشمان عقل را در احادیث و روایات جستجو کنیم. تأمل در احادیث نشان می‌دهد که هدایتگری و روشنگری عقل، گام بگام صورت گرفته است؛ بگونه ای که عقل در آغاز هیچ نمی دانسته است و حتی از وجود خود و خدا نیز اطلاع نداشته است. خداوند ضمن دستوراتی که به عقل می‌دهد؛ قدم بقدم او را پیش می‌برد تا این که در نهایت، عقل فقط به این نکته پی می‌برد که «خدایی» وجود دارد و این نهایت روشنی

چشمان عقل و هدایتگری اوست. پس این که نظامی می گوید: خداوند چشمان تاریک عقل را روشن کرد و مهره هایی به نام معرفت به او بخشید؛ قطعاً متأثر از حدیثی است که آن را حدیث عقل می نامیم. میبیدی در این زمینه می گوید: «در خبر است که ربّ العزّه عقل را بیافرید، گفت او را که برخیزد، برخاست، گفت، بنشین، بنشست. گفت: بیا، بیامد. گفت: برو، برفت. سرانجام گفت: بین، بدید و...» (میبیدی، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۴۲)

پس بینش عقل بعد از طی مراحل بوده است. تا حدّی که نهایت بینش عقل در انتهای این حدیث آمده است و آن اعتراف عقل به وجود خدای واحد است که می گوید: «... قال انت الله، لاله الا انت». میبیدی در ادامه مطالبش، نوعی دیگر روشن شدن چشمان عقل را با عبارت «بک اعبد و بک اطاع» نقل می کند. (همان)

سنایی نیز همین تعبیر را دارد که می گوید:

عقل بی کحل آشنایی او بی خبر بود از خدایی او

(حدیقه، ص ۶۴)

همین مضمون در حدیثی از ابی عبدالله (ع) نقل شده است که می فرماید: عقل زینت و نور است تا بوسیله آن خلق بتوانند خدایشان را بشناسند. «... العقل الذی جعله الله زینه لخلقه ونوراً لهم فبالعقل عرف العباد خالقهم». (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳/همان، ص ۱۰)

حاصل سخن در این باب این که نظامی در اسناد «روشنی» به چشمان عقل و «تاریکی» چشمان عقل قبل از هدایت خداوند، متأثر از حدیث است. و حید و دیگر شارحان به این امر پرداخته اند.

رویکرد نظامی در ساخت ترکیبات اضافی مبتنی بر قرآن و حدیث تا حدی است که می توانیم این امر را اصالت سبک او بدانیم. دقیقتر آن که ۶۰ درصد ترکیبات متأثر از

قرآن و حدیث در مقدمه مخزن الاسرار از این نوع هستند که می توان به ترکیباتی چون «گنج حکیم (ص ۲)، عجز فلک (ص ۸)، سرمه مازاغ (ص ۱۷)، خال عصبی، (ص ۵)، پرگار کن (ص ۱۳)، قبول سلام (ص ۱۸)، خام کن پخته تدبیرها (ص)، عذر پذیرنده تقصیرها (ص)، ختم نبوت (ص) و ...» اشاره کرد که پرداختن به همه این ترکیبات، در یک مقاله شایسته نیست.

## ۲- ترکیبات وصفی و تناسب واژگان

گرچه ساخت ترکیبات وصفی در مقدمه مخزن الاسرار، هرگز در قیاس با ترکیبات اضافی، درخور بحث نیستند ولی با وجود این، قریب ۲۰ درصد ترکیبات متأثر از قرآن و حدیث، از این نوعند. ترکیباتی چون: امی گویا (ص ۱۳) در کنار زبان فصیح، یوسف دلوی (ص ۱۶)، یونس حوتی (ص ۱۶)، نقطه روشتر (ص ۱۳)، خواجه مسلح (ص ۱۲) و ... نشانگر ذوق و رغبت نظامی در امر ترکیب سازی است. ترکیباتی که مناسبت واژگانی در آنها مد نظر شاعر بوده است. تناسباتی که برگرفته از قرآن و حدیث است. خصیصه اصلی این نوع ترکیبات، عبارتی اصالت سبک در آنها، وضوح تأثیر نظامی از آیات و احادیث است؛ بگونه ای که خواننده، به اشارت موجود در ترکیب سریعتر پی می برد؛ برخلاف ترکیبات اضافی که عمدتاً از نوع الهامی بنیادی هستند و تشخیص اشارات موجود در آنها نیاز به تأمل بیشتر دارد. تلفیق دو آیه یا حدیث در ساخت ترکیبات وصفی، از نکات حائز اهمیت در این ساختهاست. جهت نمونه می توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

### ۱-۲ ترکیب «امی گویا» در بیت:

امی گویا به زبان فصیح از الف آدم و میم مسیح (ص ۱۳)  
 «امی» و «گویا» هر دو برگرفته از آیه و حدیث هستند. نظامی در واژه «امی» به آیه ۱۵۸ از سوره اعراف توجه می کند و به آیه «فآمنوا بالله و رسوله النبى الامى» نظر دارد و

لفظ «گویا» را از حدیث معروف «**انا افصح العرب البیدانی من قریش**» برگرفته است. (رک: شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ذیل فصیح)  
لذا می توان گفت اصالت این ترکیب، تلفیق آیه و حدیث است که نظامی قطعاً بدان عنایت داشته است.

## ۲-۲ ترکیب «خواجه مسّاح» در بیت:

خواجه مسّاح و مسیحش غلام      آنت بشیر، اینت مبشّر به نام  
تلفیق «خواجه» که برگرفته از احادیث است و «مسّاح» که برگرفته از قرآن است شاهد خوبی برای تبیین اصالت سبک نظامی در ترکیب سازی است. اسناد خواجگی، سروری و آقایی به رسول (ص) در منابع مختلف آمده است. میبیدی در این خصوص می گوید:  
**انا سید ولد آدم و لافخر، کنت نبیاً و آدم بین الروح والجسد آدم و من دونه تحت لوائی، یوم القیامه «نحن الآخرون السابقون».** (کشف الاسرار، ج ۴، ص ۴۶۳)  
نیز احادیثی چون: **انا سید الناس یوم القیامه / انا سید ولد آدم، خلقتنی سید ولد آدم / کبیرنا و سیدنا ... سید من سادتنا / و ... رک: (معجم احادیث نبوی، ج ۳، ص ۱۷، ذیل سود)**

نظامی، «مسّاح» را به معنی بسیار پیماینده، از واژه «اسری» در آیه اول از سوره اسراء می پذیرد و به سریان و جریان حضرت در شب معراج اشاره می کند. در آیه مزبور این چنین آمده است: **سبحان الذی اسرى بعبده لیالامن المسجد الحرام الی المسجد الاقصا... (الاسراء، ۱)**  
تلفیق واژه مسّاح متأثر از قرآن، بعنوان صفت برای «خواجه» که متأثر از حدیث است بوضوح اصالت سبک شاعر را نشان می دهد.

## ۲-۳ با عنایت به ترکیبات «یوسف دلوی» و «یونس حوتی» در بیت:

یوسف دلوی شده چون آفتاب      یونس حوتی شده زان دلو آب (ص ۱۶)

می توان گفت که از شاخصه های دیگر نظامی در بحث ترکیبات وصفی متأثر از قرآن و حدیث، این است که شاعر علاوه بر این که صفت متناسبی را به موصوف نسبت می دهد؛ به ایهام بین واژگان نیز عنایت دارد. گاه از حد ایهام و ایهام تناسب نیز به سوی صنعت استخدام گرایش پیدا می کند و در مجموع این ترکیب برگرفته از قرآن و حدیث است و تلمیح موجود در آن، مزید بر هنر و زیبایی ترکیب است. ترکیبات «یوسف دلوی و یونس حوتی» از همین نوع است:

بیت مزبور در ماجرای معراج حضرت رسول اکرم (ص) آمده است. نظامی می گوید: پیامبر اکرم (ص) چون یوسف، دلوی شد و چون خورشید به برج دلو رفت و در مصراع دوم می گوید: چون یونس حوتی شد و بعد از دلو به حوت رفت و به عبارتی «دلوی» باعتباریت به لفظ «یوسف» به آیه ۲۰ از سوره «یوسف» اشاره دارد که حضرت با دلو از چاه بیرون آمد. می فرماید: «وجئت سیاره فارسلوا واردهم فادلی دلوه قال یا بشری هذا غلام واسروه بضاعه» و همین واژه، در ارتباط با پیامبر اکرم (ص) و سفر معراج به سیر سعودی حضرت به برج دلو اشاره دارد. همین طور واژه «حوتی» در کنار «یونس» تلمیح به داستان حضرت یونس دارد که در شکم «حوت» قرار گرفت. (صافات ۱۴۲-۱۴۴) می فرماید: «فالتقمه الحوت وهو ملیم فلو لا انه كان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون»؛ بدین مضمون که؛ «پس فرو برداشت ماهی و او ملامت کننده بود. پس اگر او از تسبیح گویان نبود؛ همانا در شکم ماهی، تا روز قیامت باقی می ماند.» در حالی که همین واژه در خصوص حضرت رسول (ص) به سیر بروج در سفر معراج اشاره دارد که پیامبر از برج دلو به حوت رفت. خاقانی قریب به همین مضمون، این دو ترکیب را بصورت مقلوب یعنی «حوت یونسی» و «دلو یوسفی» در رویکردی دیگر می آورد:

از دلو یوسفی بجهد آفتاب و چشم بر حوت یونسی به تماشا برافکند

(خاقانی، ۱۳۶)



حاصل سخن این که وجود واژگان متناسب در ترکیبات وصفی نظامی، چه بسا که متأثر از قرآن و حدیث است؛ گر چه اصالت سبکی نظامی همان ترکیبات اضافی است که در بحث قبل بدان اشاره شد.

### ۳) واژگان مرکب و تناسب اجزا

در این بخش، غرض آن است تا به اثبات این سخن پردازیم که نظامی نه تنها در ترکیبات اضافی و وصفی از شیوه‌تناسب واژگانی متأثر از قرآن و حدیث استفاده می‌کند؛ بلکه در ساخت واژگان مرکب هم به نکات و اشارات قرآنی عنایت دارد. واژگان مرکبی چون «سابقه سالار» (ص ۲)، «ناصیه داران» (ص ۳)، «سرخیل» (ص ۱۳)، «سرخیر» (ص ۱۳)، «سبک سیر» (ص ۱۳)، «نیم شبی» (ص ۱۴)، و... از این نوعند. جهت نمونه به بعضی از این موارد اشاره می‌شود:

۳-۱ واژه مرکب «سابقه سالار» در بیت:

سابقه سالار جهان قدم  
مرسله پیوند گلوی قلم (ص ۲)

ذکر لفظ «سالار» برای خداوند و این که «سابق» بر دیگران است، قطعاً در این ترکیب، متناسب، آمده است. آنچه از نگاه شارحان بدور مانده است؛ این است که توضیح داده نشده است که ربط سالار با خداوند در این ترکیب چیست؟ مسلماً سالار یا فرمانده که پیشرو لشکر است؛ نیاز به لشکریانی دارد و همین امر آیه ذیل را تداعی می‌کند که می‌فرماید:

... و لله جنود السموات والارض (فتح، ۴) ... ما يعلم جنود ربك الا هو... (المدثر، ۳۱)

بعبارتی دیگر، کاربرد «جنود» آسمانها و زمین برای خداوند، یادآور همان لفظ «سالار» است که نظامی برای خداوند بکار برده است. الهامی و بنیادی بودن این تأثیر، از عواملی است که بسادگی آیه را در ذهن مخاطب تداعی نمی‌کند.

۳-۲ واژه مرکب «ناصیه دار» در بیت:

داغ نه ناصیه داران پاک / تاج ده تخت نشینان خاک (ص ۳)

شاعر این ترکیب را بصورت الهامی، ترجمه آیه «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود» آورده است. (فتح، ۳۹) تعبیر نظامی از آیه و گنجاندن آیه در یک لفظ مرگب، حسن کار شاعر را به اوج رسانده است.

۳-۳ واژگان مرگب «سرخیل»، «سرخیر و سبک سیر» در بیت:

بر همه سرخیل و سرخیر بود / قطب گرانسنگ سبک سیر بود

نشان می دهد که نظامی ترکیب سازی را در عالم شعر و شاعری بعنوان یک اصالت پذیرفته بوده است. کاربرد سه ترکیب که همه متأثر از آیه و حدیث هستند؛ اوج این اصالت سبکی را در شعر نظامی به اثبات می رساند؛ گرچه یادآوری این نکته لازم است که از حیث آماری، اصالت سبک نظامی در بحث قرآن و حدیث، همان ساختن ترکیبات اضافی (بصورت مضاف و مضاف الیه) است که در بخش اول این مقاله بدان اشاره شد.

نظامی در واژه «سرخیل» و این که رسول اکرم (ص)، وجودش مقدم بر همه آفریده هاست به «کنت نبیاً و آدم بین الروح والجسد» و در تعبیری دیگر «... بین الماء و الطین» اشاره می کند و از این احادیث الهام می گیرد. (کشف الاسرار، ج ۴، ص ۴۶۳) و در واژه «سرخیر» از آیه «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» متأثر است. (انبیاء، ۱۰۷) «سبک سیر» نیز بر گرفته از سیر حضرت رسول (ص) در سفر معراج است که می فرماید: «سبحان الذی اسیری یعبده...» (الاسراء، ۱)

ساختار هر سه ترکیب فوق، الهامی و بنیادی است و تشخیص آن نیاز به تأمل دارد.

۳-۴ واژه مرگب «نیم شبی» در بیت:

نیم شبی کان ملک نیمروز / کرد روان مشعل گیتی فروز

دقیقاً، این واژه، ترجمه «لیلاً» در آیه اول سوره اسراء است که می فرماید: «سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً...» روشن است که نظامی حتی در نکره آوردن واژه، تعدد داشته است.

حاصل سخن در این بخش این است که نظامی نه تنها در ساختن ترکیبات اضافی و وصفی به تناسب واژگان توجه دارد؛ بلکه در واژه آفرینی بصورت کلمات مرکب نیز مسلط است و از قرآن و حدیث الهام می گیرد. لذا کلماتی ابداع می کند که سابقه ندارد.

### ۳- نتیجه

۱- نظامی آیات و احادیث را بیشتر در قالب الهامی - بنیادی می آورد؛ از حیث آماری می توان گفت: ۳۸ درصد تأثیر پذیرها از این نوعند. بعد از این به ترتیب شیوه های تلمیحی، گزارشی و گزاره ای قرار می گیرند. لذا اصالت سبک نظامی، شیوه الهامی - بنیادی است.

۲- از حیث ساختاری، در رویکردی دیگر می توان گفت: نظامی به ترکیبات اضافی یعنی آوردن مضاف و مضاف الیه بیشتر عنایت دارد و از حیث آماری قریب به ۶۰ درصد نمونه های برگرفته از قرآن و حدیث از این نوعند و همین نکته، اصالت سبک او از حیث ساختاری است.

۳- ساخت ترکیبات وصفی و واژگان مرکب متأثر از قرآن و حدیث نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند ولیکن از حیث آماری در حد ترکیبات اضافی نیستند و حدود ۴۰ درصد جامعه آماری را تشکیل می دهند.

۴- شیوه اسنادی و تناسب واژگان موجود در اسناد، هم ردیف ترکیبات مبتنی بر قرآن و حدیث هستند که خود تحقیق مستقلی را می طلبد و در خور اهمیت است.

۵- مسأله تناسب در میان واژگان و اجزاء ترکیبات، از نکات شاخص شعر نظامی در بحث تأثیر پذیری از قرآن است.

۶- مقمّمه آملر نظامی از حیث تأثیر پذیری در مقوله قرآن و حدیث، غنی تر از بخشهای دیگر آثار است.

۷- ترکیب و تلفیق جنبه های هنری و رویکردهای زیباشناختی در کنار تأثیرات نظامی، از شاخصه های مقمّمه مخزن الاسرار است.

### جدول آمار تقریبی در رویکردهای مبتنی بر قرآن و حدیث مخزن الاسرار

الف) شیوه های تأثیر پذیری

بسامد	شیوه های تأثیر پذیری	
در حدود ۸ درصد	حل	الف) شیوه گزاره ای
	اقتباس	
۱۲ درصد	ترجمه تحت اللفظ	ب) شیوه گزارشی
۶ درصد	ترجمه باز	
۳۸-۴۳ درصد	ترجمه بسیار آزاد	ج) شیوه الهامی - بنیادی
	اثرپذیری تلمیحی	

ب) تناسب واژگان

بسامد	تناسب واژگان در نوع ترکیبات
۶۰ درصد	الف) در ترکیبات اضافی
۲۰ درصد	ب) در ترکیبات وصفی
۲۰ درصد	ج) در واژگان مرکب

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آیتی ، عبد الحمید. (۱۳۷۷). گنجورپنج گنج. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن .
- ۳- انزابی نژاد، رضا. (۱۳۷۷). پرده سحر سحری. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن .
- ۴- انزابی نژاد، رضا. (۱۳۷۴). گزیده مخزن الاسرار نظامی. چاپ دوم. تهران: نشر قطره .
- ۵- احمد نژاد، کامل. (۱۳۷۴). گزیده مخزن الاسرار نظامی. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن .
- ۶- سنایی، ابوالمجد مجدود. (۱۳۵۹). حقیقه الحقیقه. تصحیح مدّس رضوی. ر. تهران : دانشگاه تهران.
- ۷- علی بن حسام الدین. (۱۴۱۰). منتخب کنز العمال. بیروت: دار احیاء التراث العربی .
- ۸- غزالی ، ابی حامد. (۱۹۸۵). احیاء العلوم. استانبول: انتشارات تیس لری .
- ۹- قمی، عباس. (۱۳۶۳). سفینه البحار. تهران: فراهانی .
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۸). اصول کافی. شرح سید جواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۱۱- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۱). مثنوی. تصحیح نیکلسون. چاپ اول. تهران: سعاد.
- ۱۲- میبیدی. (۱۳۵۷). کشف الاسرار. چاپ سوم. تهران: امیر کبیر.
- ۱۳- نظامی ، جمال الدین الیاس. (۱۳۷۸). مخزن الاسرار. چاپ اول. تصحیح وحید دستگردی . به کوشش سعید حمیدیان. تهران: انتشارات مهدمینا.

۱۴- نظامی، جمال الدین الیاس. (۱۳۷۴). مخزن الاسرار. برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۵- نظامی گنجوی. جمال الدین الیاس. (۱۳۷۰). مخزن الاسرار. چاپ اول. بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات برگ.

۱۶- نظامی، جمال الدین الیاس. (۱۳۶۳). مخزن الاسرار. چاپ اول. بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات توس.

